

گزارشی از همایش بزرگداشت فیض کاشانی



همایش بین المللی بزرگداشت «مولا محسن فیض کاشانی» به همت معاونت پژوهشی مدرسه عالی شهید مطهری از پانزدهم تا هفدهم آبان ۱۳۸۷ در شهرهای تهران، قم و کاشان برگزار شد. در اولین روز این کنگره که مدرسه عالی شهید مطهری تهران میزبان میهمانان بود، حضرات آیات: امامی کاشانی، هاشمی رفسنجانی و سیدمحمد موسوی بجنوردی به بررسی شخصیت علمی این فقیه برجسته پرداختند.

آیت الله امامی کاشانی، رئیس همایش بین المللی فیض کاشانی، در افتتاحیه مراسم هدف از بزرگداشت مولا محسن فیض کاشانی را شناساندن بهتر آثار فیض کاشانی به حوزه های علمیه و دانشگاه ها و زدودن تعبیرهای نادرستی چون تصوف از وی بیان کرد. سپس آقای هاشمی رفسنجانی در سخنان خود ابعاد علمی و

اجتماعی شخصیت فیض را مورد توجه قرار داد. وی با اشاره به جامعیت علمی فیض کاشانی خاطر نشان ساخت که این ویژگی مربوط به حوزه های علمیه آن زمان است که همه علوم را فرا می گرفتند و مرحوم فیض نیز به همه علوم مرسوم آن زمان پرداخت ؛ چنان که خود فیض می گوید سه نحله را مورد توجه قرار داده تا به معرفت واقعی برسد: فلسفی، وحیانی، عرفانی. از این رو، فیض هم در عرصه عرفان و فلسفه و تعقل و هم در قرآن و سنت، به توفیقاتی دست یافت و در نهایت به نحله وحیانی اصالت داد.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت افزود: در زمان مرحوم فیض کاشانی هویت شیعی و مکتب اهل بیت به صورت عام سراسر ایران را فرا گرفت. البته در زمان آل بویه هم اتفاقاتی افتاد، ولی آنان به اندازه صفویان متعصب نبودند و تقیدی به تبلیغ و تحکیم مبانی شیعه نداشتند. در دوره فیض، مذهب تشیع، مذهب رسمی ایران اعلام شد و به دلیل پدید آمدن اختلافات جدی میان شیعه و سنی در داخل و خارج، جنگ های زیادی اتفاق افتاد. در این عصر علمایی از جیل عامل و حله هم به ایران مهاجرت کردند و همکاری متقابل حکومت و علما پیش آمد. هویتی که با همکاری حکومت و علما به ایران داده شد، زمینه های انقلاب اسلامی را چید.

آقای هاشمی رفسنجانی در ادامه سخنان خود اظهار داشت: فیض به دلیل ورود به نحله های مختلف، مورد اتهام و تمجید است. وی در اخلاق کار بزرگی کرده که از آن غافلیم. در آن عصر، محور اخلاق، کتاب احیاء العلوم غزالی بود که بر اساس منابع اهل سنت نوشته شده بود. هر چند این کتاب، اثر خوبی است، اما از ائمه اطهار چیزی ندارد. فیض کاشانی در محجة البیضاء کار بزرگی انجام داد.

فیض کاشانی فیلسوفی است که در فقه اخباری مسلک است و البته گرایش اخباریگری او به شدت استرآبادی نیست؛ زیرا به عقل و قرآن تکیه می کرد. او در آخر عمرش بیشتر از دیگران در برابر متصوفه ایستاد. شاید تمایل به اخباریگری یکی از نقاط ضعف فیض باشد که البته قابل توجیه است؛ زیرا علما قرن ها از نقل

روایت ائمه محروم بودند و این عطش، آنان را به افراط انداخت. البته ایشان اگر هم اخباری باشد، اخباری متعادل و منصفی بود.

پس از رئیس مجمع تشخیص مصلحت، استاد سید محمد موسوی بجنوردی به ایراد سخن پرداخت. وی در سخنان خود به بررسی نظریه فیض کاشانی در مسئله بیع معاطات پرداخت و گفت: «از قدیم این بحث مطرح بوده است که آیا معاطات عقد است؟ آیا ملکیت لازمه را می آورد و یا فقط اباحه تصرف درست می کند، یا اصلاً فاسد است؟

آقای موسوی بجنوردی دیدگاه فیض کاشانی را چنین تبیین کرد: اساساً به عقیده او، معاطات عقد به الفاظ نیست، بلکه به معانی است. همان قراردادی که متعاقدین با هم می بندند، عقد است. اگر داد و ستد خارجی نبود، عقد همان است و لفظ یا کتابت، مبرز عقد هستند. عقد در مقام ثبوت، همان تراضی است. شیخ انصاری در مکاسب می فرماید که معاطات عقد و بیع است و افاده ملکیت می کند، اما اجماع می گوید که ملکیت آن لازم نیست. فیض کاشانی در مسائل فقهی متأثر از مکتب محقق اردبیلی است. مرحوم شیخ در مکاسب می گوید هویت بیع، قصد آن است و محال است لفظ، محقق انشا باشد. در لفظ اراده استعمالی می کنند. مرحوم فیض بر این معنای دقیق تصریح دارد و مرحوم محقق نیز همین معنا را انتخاب می کند. به نظر حضرت امام خمینی، معاطات، هم عقد است، هم بیع، هم مفید ملکیت است و هم لازم است. هر عقدی لازم است، مگر اینکه دلیل بر جواز آن بیاید. اینجا جای اجماع نیست و آنچه عرف عقلاً تعریف می کنند مقصود شارع نیز همین است.

ایشان در ادامه سخنان خود افزود: بیع حقیقت واحده است و مبرزاتش تفاوت می کند. مقام ابراز عقد را نباید در تعریف ثبوتی آن دخالت داد. فیض کاشانی این دقت را داشت. کسانی که فلسفی هستند، ذهن عرفی ضعیفی دارند و به دقایق عقلی بیشتر توجه می کنند؛ در حالی که در استظهار روایت باید خود را عرفی به تمام معنا

کرد. یکی از خصوصیات حضرت امام خمینی (ره) با اینکه در فلسفه تبحر داشت، این بود که وقتی وارد فقه می شد، گویا یک عرفی به تمام معنا بود. فیض نیز همین گونه بود و در کتاب مفاتیح الشرائع به موارد عرفی خیلی نظر دارد.

گزارش دومین روز همایش

دومین روز همایش با سخنرانی مراجع و علمای حوزه علمیه در مدرسه دارالشفای قم برگزار شد.

آیت الله مکارم شیرازی در بیانات خود شکل گیری و تأثیرات شخصیت علمی فیض کاشانی را تبیین کرد. به عقیده ایشان، فیض کاشانی از معدود علمایی است که در عصر خود به مقام جامعیت علمی فوق العاده رسیده بود؛ به طوری که این ویژگی ها او را در میان دانشمندان اسلام در قرن یازدهم متمایز کرده بود. او در خانواده علم و دانش پرورش یافت و محیط زندگی اش مجموعه ای از علم و فرهنگ اسلام بود.

آیت الله مکارم شیرازی ویژگی دیگر فیض کاشانی را اساتید فراوانش دانست؛ اساتیدی چون: مولا محمد تقی مجلسی اول، شیخ بهایی، ملاصدرا، میرداماد، میرفندرسکی و مولا صالح مازندرانی.

ایشان افزود: درك استادان گوناگون، سبب شد تا فیض کاشانی عالمی جامع در رشته های مختلف علوم اسلامی شود. ویژگی برجسته دیگر وی، پرورش شاگردان زیاد است. مولا محمدباقر مجلسی، سید نعمت الله جزایری و قاضی سعید قمی شاگردان او هستند.

آیت الله مکارم شیرازی با اشاره به اینکه قرن فیض کاشانی قرن تحول در عالم تشیع است، گفت: صفویه به علما اهمیت زیادی می دادند، فیض کاشانی از موقعیت سیاسی کشور استفاده کرد و با منطوق پایه های تشیع را محکم کرد و امروز از برکت او و مانند او کشوری شیعه داریم. ملا صدرا شکل فلسفی و مرحوم فیض

کاشانی بحث های فقهی را مطرح می کند و هر کدام بخشی را در اختیار می گیرند و شاگردانی را پرورش می دهند.

وی ضمن رد گرایش فیض کاشانی به تصوف خاطر نشان ساخت: صفویه گرایش به تصوف داشتند. وقتی فیض کاشانی احیاء الاحیاء را می نویسد، به این معناست که می خواهد گرایش ها را شکل دهد؛ به طوری که نه با حکام وقت درگیر شود و نه در برابر انحرافات سکوت کند.

آیت الله مکارم شیرازی، در پایان سخنان خود، با بیان اینکه شرایط فعلی فرصت گران بهایی را برای پیشرفت اسلام و تشیع و شنیدن پیام تشیع فراهم ساخته است، تاکید کرد که باید از این فرصت استفاده کرد و مسئولیت علما در عصر حاضر سنگین است.

آیت الله جوادی آملی دیگر سخنران این همایش بود که به ارزیابی جایگاه فیض کاشانی در تفسیر قرآن پرداخت و گفت:

اسلام، هم علوم نافع را مطرح ساخت و هم روش فراگیری این علوم را ارائه کرد و کتابی را بنیان مرصوص مکتبش قرار داد که جامع علوم و جامع روش فراگیری این علوم است و کسانی را تربیت کرد که جامع علوم و روش های علوم اند.

ایشان در بخش دیگری از سخنان خود به شرایط تفسیر قرآن پرداخت و گفت: تفسیر قرآن، نیازمند فراگیری علوم زیادی است، تفسیر قرآن طهارت روح می خواهد و مفسر باید خود را کنار بگذارد. شرح هر کتابی با متن آن متفاوت است و شرح در برابر متن قرار می گیرد. تفسیر قرآن یعنی اینکه قال الله و اقول. گوینده باید آن قدر تطهیر شود که خلیفه الهی گردد و خلیفه جز سخن مستخلف عنه چیزی نمی گوید و آن گاه قال الله و اقول یکی می شود؛ یعنی قال الله متناً و قال الله شرحاً.

فیض، عمری را با فلسفه و فقه سپری کرد و جامع علوم معقول و منقول بود. چنین کسی مجاز است بگوید: قال الله و قال الله و دیگر اقول در کار نیست. اگر

کسی به مقام خلیفه الهی رسید، حرف مستخلف عنه را می زند. اینکه بزرگان به یاد افرادی همچون فیض می افتند، به این جهت است که آنان بین معقول و منقول جمع کردند و هم آیه محکمه را متقن می دانستند و هم فریضه عادل و هم سنت قائمه را. مرحوم فیض بسیاری از این مطالب را از راه نقل و عقل به دست آورد.

ایشان به نقش تقوا در تشخیص حق و باطل اشاره کرد و گفت: راه اسلام، راه تقوا است. معنای: «اتقوا الله يعلمکم الله» این است که اگر تقوا داشته باشید، خداوند به شما فرقان می دهد. تقوا فاروق حق و باطل، خیر و شر، و حسن و قبیح است. اگر انسان نور نداشته باشد نمی تواند میان خیر و شر فرق بگذارد. راه جدید شرع همان تقواست و فیض این راه را رفته بود. فیض در عصری می زیست که علوم اهل بیت باید ترویج می شدند. روش فیض در این عصر شرح حدیث ثقلین است. وی در تفسیر صافی، حدیث ثقلین را شرح کرد و این دو ثقل را به هم پیوند زد. چه خدمتی بزرگ تر از این فرض می شود.

سخنران دیگر همایش فیض کاشانی، آیت الله جعفر سبحانی بود. ایشان از دو رساله مرحوم فیض «شرح الصدر» و «الانصاف» نام برد که هر دو شرح حال خود اوست. وی افزود: تعداد آثار فیض کاشانی بر طبق نوشته مرحوم آقا بزرگ تهرانی حدود ۲۱۱ کتاب و رساله است. او در کاشان متولد شد. در ۲۱ سالگی تصمیم گرفت به اصفهان برود و بدین منظور استخاره کرد که در پاسخ، آیه نفر آمد. بنابراین به اصفهان رفت و در آنجا مشغول تحصیل شد، ولی روح تشنه اش سیراب نشد. به شیراز رفت و در آنجا به استاد حدیث به نام سید ماجد بن سید هاشم بحرانی برخورد و حدود دو سال نزد او درس خواند. سپس به اصفهان بازگشت و پس از چندی با برادر کوچک خود به حج عزیمت کرد، برادر او هنگام بازگشت در بین راه کشته شد. در این سفر، مرحوم شیخ محمد فرزند شیخ حسن صاحب معالم را می بیند و از او اجازه روایت می گیرد. در آنجا با ملا محمد استرآبادی صاحب رجال و دامادش ملا محمد امین استرآبادی صاحب کتاب

الشواهد المدنیة و الفوائد المکیة آشنا می شود و مایه های حدیثی را از آنان می گیرد و کتاب گران بهای الوافی، نشانه تاثیر این اساتید بر فکر اوست. مرحوم علامه طباطبایی (ره) بیان فیض را متقن تر از علامه مجلسی می دانست؛ چون فیض کاشانی گرایش های عقلی هم داشت و توانست مسائل مربوط به عقاید را بهتر تفسیر کند.

او دنبال گم شده ای بود که او را از عالم ماده به عالم معنا ببرد و با مسائل عقلی و عرفانی اسلام آشنا کند. سرانجام در قم گم شده اش را در ملاصدرا یافت که در کهک می زیست و گاهی اوقات به مدرسه فیضیه می آمد. هشت سال در محضر او بود، بعد از هشت سال قم را ترک کرد و همراه ملاصدرا دو سال در شیراز بود و از شیراز به کاشان رفت.

فکر فیض آمیخته ای از عقل و نقل است خدمات زیادی کرده است؛ از جمله تالیف الوافی که کتابی متقن و کم غلط است. شگفتا اگر سه محمد در قرن سوم و چهارم کتب اربعه نوشتند، در قرن یازدهم نیز سه محمد کتاب جامع نوشتند: ملا محمد محسن فیض کتاب الوافی، ملا محمدباقر کتاب بحار الانوار و محمد بن حسن عاملی نیز وسائل الشیعه را تالیف کردند. اثر فقهی فیض یعنی کتاب مفاتیح الشرائع، معادل شرایع مرحوم محقق است که کتاب متقن و موجزی است. بر کتاب شرایع شروح زیادی نوشته اند و عیناً مفاتیح الشرایع فیض نیز به همین تعداد حاشیه و شرح دارد. فیض منزوی نبود و رساله «الشهاب الثاقب» ایشان که در اثبات وجوب عینی نماز جمعه است، نشان دهنده حضور علمی و ذهنی ایشان در عرصه های اجتماعی است.

یکی دیگر از سخنرانان، استاد رضا استادی بود. ایشان ضمن بررسی آثار و تالیفات فیض کاشانی، به برخی شبهات رایج پاسخ گفت. وی تعداد تالیفات فیض کاشانی را که مؤلف کتاب الذریعه، ۲۱۰ جلد دانسته است، یک اشتباه دانست؛ چراکه تالیفات فیض بیش از ۱۱۳ اثر نیست.

ایشان در ادامه افزود: کتاب قصص العلماء تألیف یکی از علمای بزرگ ماست، ولی متأسفانه معتبر نیست و مؤلف در تألیف آن سادگی به خرج داده و مطالبی نقل کرده است که زینده علمای ما نیست؛ از جمله اینکه گفته فیض کاشانی مجتهدان را رمی به کفر کرده است؛ در حالی که به هیچ وجه این طور نیست. خود فیض کاشانی تألیفاتش را احصا کرده است و بنابر این دیگر نقل قول های دیگر وجهی ندارد. پس اینکه برخی می گویند اگر همه تألیفات او را جمع کنیم، پانصد جلد چهارصد صفحه ای می شود، این سخن اشتباه است؛ زیرا فیض کاشانی تصریح کرده که وافی ثلث تألیفات او به شمار می رود. بنابر این تمام کتاب های او ۶۵ جلد یا هفتاد جلد می شود.

فیض کاشانی تألیفاتش را از چهارده یا پانزده سالگی شروع کرد و تا هشتاد و چهار سالگی ادامه داد که این تلاش علمی برای دانشجویان و طلاب می تواند درس آموز باشد. اگر همه تألیفات فیض هفتاد جلد باشد، او هر سال یک جلد کتاب چهارصد صفحه ای نوشته است. مرحوم فیض کتابی با عنوان معتصم الشیعه دارد که در سه جلد چاپ شده است. در این کتاب فقهی، مباحث طهارت و صلاة آمده است، این کتاب در ۲۲ سالگی نوشته شده است. او چند سال بعد مفاتیح را تألیف کرده که در آن از همین کتاب معتصم تمجید می کند و در سنین شصت سالگی و ۸۴ سالگی نیز از این کتاب تمجید کرده است. پس نباید گفت چون فیض کتاب معتصم را در جوانی نوشته است، به خیلی قابل توجه نیست.

آقای استادی، آن گاه به ردّ اتهام اخباریگری فیض کاشانی پرداخت و شاخصه های این گرایش را بیان داشت و گفت: چند چیز نشانه اخباریان است: اول اینکه اخباریان، ظواهر قرآن را حجت نمی دانند، مگر اینکه روایت داشته باشد. دوم تقسیم حدیث به چهار قسم صحیح، حسن، موثق و ضعیف را قبول ندارند و تمام احادیث کتب اربعه را قبول دارند. سوم آنکه اخباریان به اجماع بی اعتنا هستند. همچنین به عقل تمسک نمی کنند و در شبهات حکمیة تحریمیة، قائل

به احتیاط هستند. اما در سراسر کتاب معتصم، خلاف این چهار مورد مشهود است. در کتب فقهی فیض کاشانی این موارد به چشم نمی خورد؛ چنان که وحید بهبهانی در شرح مفاتیح الشرایع فیض می گوید: مفاتیح خلاصه ای از مسالک الافهام شهید ثانی و مدارک الاحکام سید محمد عاملی است.

ایشان علت انتساب فیض به اخباریگری را، تألیف چهار کتاب از سوی او دانست که عبارت اند از سفینه النجاة، اصول اصیله، کتابی در مورد تفقه و کتاب راه صواب. وی افزود: فیض در این کتاب ها تحت تأثیر ملا محمد امین استرآبادی است و به گونه ای آرای استرآبادی را آورده است که گویا آنها را قبول دارد. اگر این همایش این چهار کتاب را نقد کند، کار بسیار ارزشمندی است؛ چون به استناد این کتاب ها باز نسبت اخباریگری به ایشان ادامه می یابد.

وی، در ادامه سخنان خود، به نقش مؤثر فیض کاشانی و علامه مجلسی در آشنایی مردم دوره صفویه با مکتب اهل بیت اشاره کرد و گفت: این دو، معارف اهل بیت را به فارسی بازگرداندند. فیض کاشانی رساله هایی با عناوین نماز و حج و سیر و سلوک نوشت و کتاب مفاتیح الشرایع او، سیصد نسخه خطی دارد که نشان دهنده، اقبال حوزه ها به کتب ایشان است.

گزارش اختتامیه همایش «مشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی»

سخنرانان مراسم اختتامیه کنگره که در دانشگاه کاشان برگزار شد، آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی و آیت الله عبدالنبی نمازی امام جمعه کاشان بودند. آیت الله هاشمی شاهرودی در بیانات خود به تبیین ویژگی های مسلک فقهی فیض کاشانی پرداخت. وی آشنایی با اندیشه های بزرگان دین به خصوص آشنایی با فیض کاشانی را که دارای ابعاد گوناگون علمی است، موجب ارتقای علمی جامعه دانست و گفت: او سعی می کرد تمام علوم را از متن و مضامین روایات اهل بیت استخراج و به منبع اسلام ناب مستند کند. فیض کاشانی در همه عرصه های علوم

اسلامی صاحب تالیف است و نقش عظیم ثقلین را در آثارش نشان داد. ایشان پرچمدار اندیشه ها و افکار اهل بیت است و خدمت بزرگی به تشیع کرد. برخی از نظریات فقهی ایشان برای حاکمیت امروز نظام جمهوری اسلامی سودمند است. جرئت مرحوم فیض و عمق فکری و آزادگی وی موجب شده بود که به آنچه مطابق روش فقه‌های خود می‌دانست، فتوا دهد از این رو، بخشی از فتوای فیض خلاف مشهور، ولی مطابق دلیل است.

رئیس قوه قضائیه در ادامه سخنانش، فیض را از اتهام اخباریگری مبرا دانست و افزود: در کتب و تراجم معروف است که او از علمای اخباری مسلک است و به علمای اصولی مسلک، انتقاداتی دارد و استدلال‌های اصولیان را قبول ندارد. با مشاهده برخی از نظریات فقهی ایشان دریافتم که فیض کاشانی تناسبی با اخباریان ندارد. او در فقه متأثر از مکتب محقق اردبیلی است که در قرن دهم شکل گرفته است. بعد از شهیدین و شاگردان آنان در قرن دهم، مرحوم محقق اردبیلی که مطالعاتی در معقول و فلسفه و حکمت داشت، به فقه و اصول پرداخت و در برخی مسائل که در کتب فقهی تا آن زمان رایج بود، حرکت جدیدی را آغاز کرد که می‌توان از آن به عقل‌گرایی و ایستادن در برابر اخذ به ظنون در استنباط فقهی تعبیر کرد. محقق اردبیلی با رد حجیت خبر واحد که ظنی است، فقط خبر قطعی را معتبر می‌دانست. وی شهرت‌های فقهی را بی اعتبار توصیف کرد. روش بحث ایشان نقل اقوال نیست، بلکه نقل روایات و آیات است. این گرایش، اقوال خلاف مشهور زیادی دارد.

در قرن یازدهم بعد از ملامحمد امین استرآبادی، گرایش دیگری پیدا شد که گرایش اخباری‌هاست. اخباریان ابتدا از طعن به علمای اصولیان شروع کردند و قائل بودند که اصول، تولید فکری علمای اهل سنت است؛ چون آنان از روایات اهل بیت برخوردار نبودند و به این مسائل تمسک می‌کردند.

وحید بهبهانی هر دو مکتب را تعدیل کرد. او هم محقق اردبیلی و انحصار

دلیل قطعی و بی ارزش قرار دادن شهرت فتوایی را نقد کرد و از سوی دیگر، با اخباریان هم مبارزه کرد و بساطشان را برچید. مرحوم وحید بهبهانی هم بر کتاب مجمع الفائده و البرهان محقق اردبیلی حاشیه دارد هم بر مفاتیح فیض کاشانی تعلیقه دارد.

آیت الله هاشمی شاهرودی، سپس ویژگی های فکری اخباریان برشمرد و افزود: اخباریان چهار شاخصه فکری داشتند. آنان اجماع، اصل برائت در شبهات تحریمیه و ظهورات قرآنی را بدون روایت قبول ندارند. آنان همه روایات کتب اربعه را قبول دارند، تقلید و احکام عقل نظری را هم در مسائل فقهی قبول ندارند. مرحوم فیض در قرن یازدهم می زیست و شاید شاگرد برخی از شاگردان محقق اردبیلی بود و از این رو، تحت تاثیر محقق اردبیلی قرار داشت. برخی گفته اند که فیض فقهی اخباری مسلک است؛ چون اجماع و تقلید را قبول ندارد و بیشتر تمایل به نقل احادیث دارد، ولی در واقع این گونه نیست. از عصر محقق اردبیلی تا حدود یک قرن بعد، عصر بازنگری روش ها و استدلال های فقهی گذشتگان بود، پس از آن دوران اخباریگری آغاز شد. مرحوم فیض در میان این دوران و در ابتدای شروع اخباریگری می زیست. او در مقدمه مفاتیح به اجماع زیاد اشاره می کند و در کتاب معتصم هم به اجماع توجه دارد. او اجماعی را قبول دارد که کاشف از قول معصوم باشد که در کلام دیگر فقها هم این تعبیر آمده است. او در کتاب مفاتیح به مجتهدان بسیار احترام می گذارد و با این وصف، دیگر نمی توان او را اخباری قلمداد کرد.

پس از رئیس قوه قضائیه، آیت الله نمازی نقش فیض کاشانی را در پیرایش علم اخلاق از انحرافات بررسی کرد و شبهه تمایل وی به تصوف را بی اساس دانست. به اعتقاد وی، باید اتهام گرایش به مسلک تصوف و اخباریگری فیض را با انجام تحقیق گسترده از وی برداشت. آیت الله نمازی افزود: بعد از گذر چهارصد سال به خوبی درک می کنیم که فیض کاشانی، واقعاً منشأ فیض بود. وی در تفسیر، کتاب صافی و در حدیث، کتاب شافی و وافی را نوشت و در فقه هم کتب زیادی

دارد و در حکمت و عرفان و رجال و شعر آثار فراوانی بر جای گذاشت.

ایشان به ابتکارات و ابداعات فیض کاشانی اشاره کرد و گفت: از جمله ابتکارات فیض، بازسازی و تهذیب احیاء العلوم محمد غزالی است. احیاء العلوم حاوی مسائل ارزشمندی در علم اخلاق است و در عین حال، خالی از مباحث عرفانی کاذب و انحرافی نیست. فیض کاشانی در «محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء» مطالب مفصلی را در مقدمه آورده است.

آیت الله نمازی با نقل دو نمونه از تصوف انحرافی در احیاء العلوم افزود: «محمد غزالی نقل می کند که یکی از مشایخ به دلیل اینکه فرصت پیدا نکرد نافله شب بخواند، تصمیم گرفت یک سال به صورت وارونه تا صبح بیدار بماند! در جای دیگر می گوید: «یکی از صوفیه برای نشان دادن اعراض از مال دنیا، همه مایملک خود را فروخت و پول آن را به دریا ریخت». این زهد، زهد کاذبی است، در فرهنگ قرآن زهد تعریف دیگری دارد. از این گونه مطالب در احیاء العلوم زیاد است.

اما مرحوم فیض همه این انحرافات را پاک سازی کرد و به جای آنها روایات ائمه معصوم (علیهم السلام) در هر موضوع آورد.

در آرای فقهی فیض کاشانی، رأی متفرد ایشان در وجوب تعیین نماز جمعه است. ایشان در رساله ای به عنوان الشهاب الثاقب و رجم الشیاطین با جرئت به این قول تصریح کرده و به کسانی که قائل به تخییر و حرمت نماز جمعه هستند، تاخته است. مرحوم فیض در کتاب معتصم می گوید که من در کتاب الشهاب الثاقب از بیست نفر از فقها نقل کرده ام که قائل به وجوب تعیینی نماز جمعه بوده اند.

از فواید برگزاری این کنگره، تصحیح و تحقیق و انتشار برخی از کتب و رسالات فیض کاشانی بود. از میان آثار فقهی وی، کتاب «معتصم الشیعة فی احکام الشریعه» را که تا کنون چاپ نشده بود، انتشارات مدرسه عالی شهید

مطهری با تصحیح آقای مسیح توحیدی منتشر ساخت. اگر چه فیض کاشانی این کتاب را در اوان جوانی تألیف کرده است، اما بعدها نیز آن را مورد توجه قرار داده و در کتب متأخرش از آن سخن به میان آورده است. کتاب مفاتیح الشرایع نیز تصحیح و تحقیق شده که مراحل نهایی انتشار را طی می کند. مجموعه رساله های فقهی عربی ایشان، متشکل از رساله های الشهاب الثاقب، ثبوت الولاية علی البکر البالغه الرشیده، اخذ الاجرة علی الواجبات، جهاز الاموات و الضوابط الخمس، نیز تصحیح و تحقیق شده و همراه مقدمه ای مفصل، با عنوان الرسائل الفقهیه، به چاپ رسیده است. رساله های فارسی فقهی فیض نیز که متشکل از ترجمه الصلاة، ترجمه الحج، ترجمه الطهاره، ترجمه الصیام، ترجمه الزکاة، اذکار الطهاره، ابواب الجنان و مفتاح الخیر است، به ضمیمه ترجمه العقاید که فیض از آنها به هشت در بهشت یاد کرده است، در یک مجلد تحت عنوان رسائل (۲)، چاپ شده است. کتاب اصولی وی که پیش از این به همت محدث ارموی منتشر شده بود، با عنوان الاصول الاصلیه، که نام صحیح این کتاب است، با نسخه های متعددی تصحیح شده و همراه رساله «الحق المبین فی کیفیه التفقه فی الدین» در یک مجلد از سوی کنگره انتشار یافته است.

شایان ذکر است که سیصد مقاله داخلی و خارجی به دبیرخانه این همایش ارسال شده بود که از میان آنها، پنجاه اثر به عنوان مقاله برتر برگزیده شد و از سوی دبیرخانه همایش چاپ خواهد شد. همچنین با همکاری مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزار مجموعه آثار علامه مولا محسن فیض کاشانی عرضه شد. این نرم افزار دربردارنده متن کامل چهل عنوان کتاب در قالب ۱۳۹ جلد از مصنّفات فیض و کتب مرتبط با اوست. در این مجموعه بیش از نود جلد متن و شرح و دو عنوان تفسیر علامه فیض کاشانی و ۱۵۰ تصویر از نسخ خطی آثار فیض ارائه شده است.